

به یاد یاران ، به یاد مرد گانی که عاشق ترین زندگان بودند !

جنایت و نقض سیستماتیک حقوق بشر در تمام 33 سال حیات جمهوری اسلامی ، همزاد و جزئی جدائی ناپذیر از حکمرانی ، آن بوده است .

این جنایات نه آنطور که بخشی از رانده شدگان از قدرت تصور می کنند از خرداد 88 و کهریزک شروع نشده است و یا آنطور که برخی از نیروهای سیاسی که در پنج سال اول حیات رژیم فاشیسم مذهبی ، مشغول شکوفا سازی آن و مسلح کردن پاسدارانش به سلاح سنگین بودند ، از " فاجعه ملی " تابستان 67 آغاز نشده است و یا به زعم آنان که نقطه شروع ماهیت ارتجاعی رژیم را از " حماسه 30 خرداد 60 " و " تک پایه شدن نظام " رقم می زنند . تاریخ جنایات ضد بشری جمهوری اسلامی حتی از سرکوب خونین کردستان و ترکمن صحرا و ... نیز شروع نشده است . استارت این جنایات از همان فردای به قدرت رسیدن این رژیم و از کریدورها و پشت بام مدرسه " رفاه " زده شده است . یعنی آنزمان که " دادگاههای انقلابی - اسلامی " سران رژیم ساقط شده سلطنتی را بدون برخورداری از حق داشتن وکیل مدافع و هیات منصفه و حق فرجام خواهی به اعدام محکوم میکردند و یا حتی بدون انتظار برای حکم دادگاه ، متهم را با سلاح کمربند در راهروهای آن مدرسه سر به نیست میکردند .

اما از میان همه این جنایات هولناک ، دو برهه تاریخی از دهه شصت یعنی تابستان 60 و بویژه تابستان 67 برآستی نقشی تیبیک در بیلان فاشیسم سیاسی مذهبی حاکم داشته اند . از اینرو بازماندگان و قربانیان سه دهه حیات خونبار این رژیم ، بی آنکه از ارزش جان هیچ عزیزی بکاهند و یا پرونده هیچ جنایتی را در طول 33 سال گذشته مسکوت گذارند بدرستی با تاکید بر این دو برهه هولناک از تاریخ متاخر کشورمان ، در پی دادخواهی - چه در داخل و چه در خارج کشور - هستند . کارزار بین المللی ایران تریبونال برای محاکمه سران جنایتکار جمهوری اسلامی ، یکی از این تلاشهای سترگ است که میتواند کارزار " یاد یاران " را فراتر از مراسمهای یادمان جانباختگان ، به کمپینی سراسری ، بین المللی و موثر برای نور افکندن بر جنایات بیشمار این رژیم تبدیل کند .

ما باید دقت کنیم که گرامیداشت یاد عزیز جانباختگان راه آزادی و برابری در تابستان هر سال ، به یک مجلس ترحیم فردی یا جمعی تبدیل نشود بلکه به ابزار قدرتمندی هم برای دادخواهی و هم برای جا انداختن " فرهنگ داد " در کل جامعه ، یعنی محکومیت بی قید و شرط هر نوع نقض حقوق بشر - چه در پوزسیون چه در اپوزسیون - مبدل گردد .

از اینرو مراسم یادمان جانباختگان ، فراتر از همدری های اخلاقی و انسانی ، باید به یک همبستگی و گفتمان نیرومند در دفاع از خواستههای انسانی زیر فراروید:

- 1- آزادی بی قید شرط اندیشه ، بیان و تشکل
- 2- برچیدن زندان سیاسی و آزادی فوری و بی قید شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی
- 3- الغای کامل هر نوع شکنجه و آزار جسمی و روحی در درون و بیرون زندان
- 4- حذف کامل مجازات مرگ و اعدام

این کارزار دمکراتیک ، مدرن و انسانی ، برخلاف تصور بخشی از نیروهای اپوزسیون (چه در طیف راست و چه در طیف چپ) تاریخ مصرف ندارد ، چیزی نیست که امروز در برابر حاکمان فعلی علم کنیم اما خود از امروز سلاح انتقام را برای روز به قدرت رسیدن خویش صیقل دهیم .

به همین خاطر مبارزه با استبداد سیاسی مذهبی حاکم و نقض سیستماتیک حقوق بشر توسط آن باید به کمپینی سراسری برای جا انداختن این گفتمان دمکراتیک در تمام عرصه های جامعه از درون خانواده و محیط کار و زیست گرفته تا داخل احزاب و سازمانهای اپوزسیون کشیده شود . آن نیروی اپوزسیونی که هنوز به آزادی بی حد و حصر باور ندارد ، به لغو کامل هر نوع شکنجه و اعدام نرسیده و حقوق بشر را برای " خودیها " و " غیر خودیها " جیره بندی می کند و حتی مناسبات غیر دمکراتیک را بر مناسبات درون سازمانی خود حاکم کرده ، نمی توان و نباید به دعای او در مبارزه با استبداد حاکم باور داشت و شعارهای او را جدی گرفت . این مهمترین درسی است که همه ما باید از دهه ها خشونت و سرکوب در حکومتهای شاه و شیخ بگیریم !

گرامی باد یاد همه جانباختگان
سرنگون باد جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی ، زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

شهریور 1391 - اوت 2012